



ویژگی‌های شگفت انگیز اوزان شعر فارسی

پدیدآورده (ها) : وحیدیان کامیار، تقی
ادبیات و زبانها :: ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد مشهد) :: بهار و تابستان 1383 - شماره 1 و 2

از 19 تا 34

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/369328>

دانلود شده توسط : مرتضی غلامی

تاریخ دانلود : 05/07/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

دکتر تقی وحیدیان کامیار

ویژگیهای شگفت‌انگیز اوزان شعر فارسی^(۱)

خلاصه مقاله

اوزان شعر فارسی در جهان بی‌نظیر است هم از نظر کثرت، که به قولی اوزان شعر فارسی چند برابر مجموع اوزان شعر در زبانهای اروپایی است و هم از نظر تنوع، که اوزان با مصرعهای ۴ هجایی تا ۳۰ هجایی دارد. هم اوزان با مصرعهای برابر و هم نابرابر از نظر زیبایی بر اثر تجربه طی قرن‌ها اوزان ناخوش‌متروک گردید و اوزان خوش‌مانده است. از نظر زیبایی نیز بی‌نظیر است چون پیوسته شاعران به تعداد این اوزان می‌افزایند.

واژه‌های کلیدی:

اوزان شعر فارسی، زیبایی اوزان فارسی، شعر هجایی، اوزان دوری، اوزان ایقاعی.

۱- کتاب فرهنگ اوزان شعر فارسی که نگارنده تدوین آن را در بیست سال پیش آغاز کرده، آماده چاپ است و مطالب این مقاله بیشتر بر اساس آن کتاب است.

وزن شعر چیست؟ وزن شعر وجود نظمی است میان هجاها. این نظم در وزن شعر فارسی و عربی و یونانی کهن بر اساس امتداد صوت یعنی کوتاهی و بلندی هجاهاست، مثلاً در این بیت مولوی:

آتش است این بانگ نای و نیست باد

هر که این آتش ندارد نیست باد

وزن چنین است - U - + - - U - + - - U - (۱)

یعنی تشکیل شده است از سه بخش همانند که از آخر بخش پایانی یک هجا حذف گردیده است. اگر نظم میان هجاها را بهم بز نیم وزن از میان می رود و دیگر کلام آهنگین نیست:

این بانگ نای آتش است و باد نیست (۲)

مقایسه این سخن بی وزن با صورت موزون آن بخوبی نشان می دهد که وجود وزن چقدر به زیبایی سخن می افزاید. البته شعر می تواند بی وزن باشد اما کلامی که از وزن محروم باشد از زیبایی و شعریت آن بسیار کاسته می شود و به همین دلیل سرودن شعر خوب بی وزن بسیار دشوارتر از سرودن شعر خوب موزون است و اینست که از میان شاعرانی که شعر بی وزن سروده اند تنها شاملو موفق است و دیگران ناموفق.

کلام موزون هم زبان است و هم موسیقی. اهمیت موسیقی وزن در شعر در این است که خواننده و شنونده را در فضای عاطفی شاعر می برد نه این صورت که شاعر تحت تأثیر عواطف شدید، کلامی به ذهنش می آید که عواطفش را می تواند نشان بدهد. در این کلام، عاطفه شدید وزنی کاملاً مناسب آن را به ذهن شاعر القاء می کند. به عبارت دیگر شعر ناب همراه با وزنی متناسب با عاطفه شاعر در ذهن شاعر تداعی می شود و هرگاه کسی آن شعر را بخواند وزن شعر همان حالت عاطفی را در خواننده ایجاد می کند. عواطف شاعر در شعر زبانهای دیگر (جز زبان فارسی) که تعداد اوزانشان محدود و فاقد تنوع و نظم دقیق است، چنانکه باید نمی تواند شکل

۱- تیره، نشانه هجای بلند است و هلال، نشانه هجای کوتاه، هجای کشیده شامل یک هجای بلند است و یک کوتاه.

۲- اگر «و» عطف به صورت مصوت «O» تلفظ شود هجای داخل هلال حذف می شود.

بگیرد اما در اوزان شعر فارسی با ویژگیهای شگفت‌انگیزش از نظر کثرت و تنوع و نظم دقیق آنها هر عاطفه‌ای می‌تواند در دقیق‌ترین و مناسب‌ترین وزن شکل بگیرد مثلاً وقتی غزلیات شمس را می‌خوانیم همان حالت عاطفی که هنگام سرودن هر شعر به مولوی دست می‌داده است در ما ایجاد می‌شود حال آنکه اگر این غزلیات چنین موزون نمی‌بود هرگز حالت عاطفی شاعر به این صورت در خواننده ایجاد نمی‌شد

برای مثال وقتی مولوی این غزل را می‌سروده، دستخوش شور و حال و جذبه‌ای بوده که تنها در وزن فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن می‌توانسته تجسم پیدا کند:

نه شبم نه شب پرستم که حدیث خواب گویم
که غلام آفتابم، همه ز آفتاب گویم

وقتی ما این غزل را می‌خوانیم همان حالت عاطفی مولوی در ما بازآفرینی می‌شود اما اگر وزن را از این شعر بگیریم هرگز آن حالت عاطفی در ما به وجود نمی‌آید:
نه شب هستم و نه شب پرست که حدیث خواب را بگویم بلکه من غلام آفتاب هستم و همه از آفتاب می‌گویم.

به هر حال، چنانکه گفتیم، اگر وزن شعر طبیعی یعنی انعکاس عاطفه خاص شاعر هنگام سرودن شعر باشد همان حالت در خواننده شعر ایجاد می‌شود. برای مثل چند بیت دیگر از مولوی را می‌آوریم:

من طربم طرب منم، زهره زند نوای من
عشق میان عاشقان شیوه کند برای من

چون دل جانا بشین بشین
چون جان بی جا بشین بشین

تا که در آمد به باغ چهره گلزار
آه چه سر ز افکند در دل گل، نار تو

به وقت بگیری مرا که همین برگو
چو اشتهای سماعت بود، بگو ترگو

خزید محسبید که نزدیک رسیدیم
آواز خروس و سگ آن کوی شنیدیم

چند نظاره جهان کردن

آب را زیر که نهان کردن؟

به هر حال اگر شعری در وزن مناسب و دقیق خود شکل بگیرد بخوبی می تواند نشانگر عواطف دقیق شاعر باشد و تأثیری شگرف در ذهن خواننده دارد زیرا هیجان عاطفه و احساسی را که شاعر در سرودن شعر داشته در خواننده زنده می کند. در میان اوزان شعر زبانهای گوناگون وزن شعر فارسی با ویژگیهای شگفت انگیز خود بی نظیر است. اینک به بررسی هر یک از ویژگیهای مختار وزن شعر فارسی می پردازیم:

یک کثرت اوزان

مهمترین ویژگی اوزان شعر فارسی کثرت آنهاست و از این نظر نه تنها در شعر هیچ زبانی به اندازه شعر فارسی تعداد اوزان زیاد نیست بلکه تعداد اوزان شعر فارسی چندین برابر پر وزن ترین اشعار هر زبان است.

دکتر خانلری دربارهٔ تعداد اوزان شعر فارسی می‌نویسد: با یک دانشمند زبانشناس اروپایی گفتگو می‌کردم دربارهٔ تعداد اوزان شعر فارسی سخن به میان آمد. گفتم که شعر فارسی از این حیث غنی‌تر از شعر شماس است. پرسید چند نوع وزن دارید؟ گفتم بیش از صد و بیست [بعداً خواهیم دید که طبق آماری که دکتر خانلری ارائه داده تعداد اوزان ۱۴۲ تا است]. گفتم اگر چنین است همهٔ زبانهای اروپایی را هم که یک جا به شمار نیاورید به اندازهٔ فارسی نمی‌رسد. این نکته راست است. (۱)

نه تنها اوزان شعر زبانهای اروپایی نسبت به فارسی اندک است بلکه اوزان شعر عرب با همهٔ اهمیت عروض عرب نسبت به اوزان شعر فارسی اندک است زیرا تعداد اوزان شعر عرب ۶۶ تا است. (۲)

تعداد واقعی اوزان شعر فارسی چند تا است؟ تاکنون چند پژوهشگر به بررسی تعداد اوزان شعر فارسی پرداخته‌اند:



الف- دکتر پرویز نائل خانلری از ۱۴۲ وزن شعر یاد می‌کند به این صورت:

- ۱- تعداد اوزانی که از کتاب معیارالشعار خواجه نصیر، شاهد شعری آورده ۱۱
- ۲- تعداد اوزانی که از کتاب المعجم شاهد شعری آورده ۴۱
- ۳- تعداد اوزانی که سرایندگان آنها معلوم نیست ۲۶
- ۴- تعداد اوزانی که سرایندهٔ مثال شعری ذکر نشده است ۶۲
- وزنی که سرایندهٔ آن خود خانلری است ۱
- ۵- وزنی که از کتاب عروض شهرستانی نقل شده است (۳) ۱

۱- نائل خانلری، پرویز، شعر و هنر، ۱۳۴۵، شرکت سهامی ایران چاپ، ص ۳۲۰.

۲- وحیدیان کامیار، تقی، بررسی منشأ وزن شعر فارسی، چاپ سوم، ۱۳۷۶، آستان قدس رضوی، ص ۱۱۱.

۳- این آمار برگرفته از کتاب وزن شعر فارسی نوشته دکتر پرویز نائل خانلری است.

ب- طبق بررسی **الول ساتن**، تعداد اوزان شعر فارسی ۲۰۸ تاست به این شرح:

- ۱- اوزانی که سرایندگان شاهد شعری آنها مشخص شده است ۱۱۵
- ۲- اوزانی که از کتب عروض با شاهد شعری بدون ذکر نام شاعر آمده ۶۴
- ۳- اوزانی که بدون شاهد شعری آمده ۲۹

پ- مسعود فرزاد تعداد کل اوزان شعر فارسی را ۲۵۷ دانسته به این شرح:

- ۱- اوزانی که نام شاعر شاهد شعری آنها ذکر شده ۹۵
- ۲- اوزانی که از المعجم با شاهد شعری آمده ۱۰۹
- ۳- اوزانی که بدون شاهد شعری آمده است ۴۶
- ۴- اوزانی که با شاهد شعری بدون مشخص شدن نام شاعر آمده ۴
- ۵- وزنی که از کتاب سبک خراسانی در شعر فارسی نقل شده ۱
- ۶- وزنی که از کتاب معیار الاشعار با شاهد شعری بدون ذکر نام شاعر نقل شده ۱
- ۷- وزنی که از کتاب عروض دبیرستان نقل شده ۱

ت- **ادیب طوسی** تعداد اوزان شعر فارسی را ۴۵۰ دانسته، به این شرح:

- ۱- اوزانی که سرایندگان آنها ذکر شده ۸۰
- ۲- اوزانی که از کتاب المعجم نقل شده بدون ذکر نام شاعر ۵۷
- ۳- وزنی که از معیار الاشعار نقل شده ۱
- ۴- اوزانی که بدون نام شاعر آمده ۲۹۹
- ۵- اوزان بدون شاهد شعری ۲
- ۶- وزنی که از عروض شهرستانی نقل شده ۱

ث- اوزانی که نگارنده پس از سالها بررسی دیوان شاعران و کتابهای عروض استخراج کرده به شرح زیر است:

- ۱- اوزانی که از دیوانهای شاعران و مجموعه شعرهای شاعران پیش از انقلاب و پس از انقلاب استخراج شده ۲۸۲
- ۲- اوزانی که از کتابهای عروض نقل شده و شاعران آنها مشخص نیست ۳۴۷
- ۳- اوزان شعر عامیانه فارسی ۲۵
- جمع ۶۵۴

به هر حال چنانکه می‌بینیم بر اساس پژوهش نگارنده تعداد اوزان شعر فارسی حتی نسبت به اوزان شعر عرب که عروض آنها سخت مشهور و مهم است بیش از ده برابر است. از طرفی طبق این بررسی اوزانی که شاعران عملاً به آنها شعر سروده‌اند طبق تحقیق خانلری ۶۲ تاست و طبق تحقیق ال‌ول ساتن ۱۱۵ تا و طبق بررسی مسعود فرزاد ۹۵ تا اما طبق بررسی نگارنده ۲۸۲ وزن است. ضمناً اوزان شعر عامیانه نیز جزو اوزانی است که عملاً به آنها شعر سروده شده است بنابراین مجموعه اوزانی که تاکنون به آنها شعر سروده شده است (نه اوزانی که احیاناً عروضیان به آنها شعر سروده‌اند) ۳۰۷ تاست.

گرچه تعداد اوزان شعر فارسی ۳۰۷ تاست و اوزان بالفعل و بالقوه شناخته شده ۶۵۴ تا، اما عملاً شاعران ما از تعداد کمی از این اوزان استفاده می‌کنند و اصولاً اوزان بسیار پرکاربرد شعر فارسی نسبت به کل اوزان اندک است. ال‌ول ساتن اوزان پرکاربرد شعر فارسی را ۲۹ وزن می‌داند (مسعود فرزاد ۳۳) و بیش از ۹۸ درصد اشعار در این ۲۹ وزن سروده شده است. علت استفاده نکردن از این همه امکانات اوزان شعر فارسی اینست که شاعران با بسیاری از اوزان شعر فارسی آشنا نیستند.

شاعرانی که از اوزان نسبتاً زیادی بهره گرفته‌اند عبارتند از:

- ۱- سیمین بهبهانی ۱۲۴ وزن
- ۲- الهی قمشه‌ای ۶۰ وزن
- ۳- مولوی ۴۹ وزن

- ۴- خواجه ۴۶ وزن
 ۵- فریدون توللی ۴۱ وزن
 ۶- اوحدی مراغه‌ای ۴۰ وزن
 ۷- ادیب الممالک ۳۹ وزن
 ۸- رودکی و صغیر اصفهانی ۳۷ وزن
 شاعرانی که از اوزان کم استفاده کرده‌اند عبارتند از:
 ۱- ازرقی و صیدی تهرانی ۱۳ وزن
 ۲- عنصری و لامعی ۱۷ وزن
 ۳- قطران و هلالی جغتایی ۱۸ وزن

پراکاردترین اوزان شعر فارسی

اینک ۱۶ وزن از پراکاردترین اوزان شعر فارسی را به ترتیب می‌آوریم. نگارنده این فهرست را بر اساس کار آماری «الول ساتن» تهیه کرده است: (۱)

نام وزن	تعداد کاربرد	تقطیع
مجثث	۳۰۳۲	مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلن
مضارع	۲۶۶۳	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
رمل مثنی محذوف	۲۴۵۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
رمل مثنی مخبون محذوف	۱۹۶۵	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
خفیف	۱۷۸۹	فاعلاتن مفاعیلن فاعلن
هزج مثنی سالم	۱۲۰۳	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فاعلن
هزج مثنی اخرب مکفوف	۱۱۵۹	مستفعل مستفعل مستفعل فع لن
هزج مسدس محذوف	۹۸۹	مفاعیلن مفاعیلن فاعلن
رمل مسدس محذوف	۶۴۸	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

معمولاً ناشی از تکرار با تناوب است؛ چهار تا چهار تا یا سه تا سه تا یا چهار تا و سه تا است، به این صورت.

--- U / --- U / --- U / --- U

-- U - / U - U U / -- U - / U - U U

-- U / -- U / -- U / -- U

هر کدام از این تقسیمات چهار تایی یا سه تایی یا دو تایی را رکن یا پایه (foot) می‌نامند. تعداد ارکان ۴ هجایی طبق فرمول $Q = n^k$ ۱۶ تا است. در این فرمول Q تعداد رکنها و n عدد ۲ یعنی هجای بلند و کوتاه است و k عدد ۴ یا ۳ یا ۲ می‌باشد یعنی تعداد هجاهای هر رکن. به این ترتیب تعداد ارکان بالقوه چهار هجایی ۱۶ تا است:

(۱) --- مفعولاتن

(۲) U U U U فَعِلَتْ

(۳) --- مفاعیلن

(۴) U - فاعلاتن

(۵) U - - مستفعِلن

(۶) U - - - مفعولات

(۷) U U - - فعلاتن

(۸) U U - مفتعلن

(۹) U U - - - مستفعل

(۱۰) U - U - مفاعِلن

(۱۱) U - U - فاعلات

(۱۲) U - - - مفاعیلن

(۱۳) U U U - فعلتان

(۱۴) U U U - فاعِلَتْ

(۱۵) U U - U مفاعل

(۱۶) U - U - فعلات

تعداد رکنهای سه هجایی هشت تاست:

(۱) --- مفعولن

(۲) U U U فَعْلُ

(۳) U -- فَعولن

(۴) U -- مفعول

(۵) U - U فَعول

(۶) U U - فاعل

(۷) U U - فعلن

(۸) U - فاعلن

تعداد رکنهای دوتایی چهار تاست:

(۱) -- فع لن

(۲) U U فَع

(۳) U - فعل

(۴) U - فاع

باید دانست که بعضی از این ارکان کاربرد ندارد مانند رکنی که از چهار هجای کوتاه تشکیل می‌شود: (U U U U)

به هر حال از تکرار ارکان چهار تایی یا سه تایی یا تناوب آنها وزن به وجود می‌آید اگر در نظر بگیریم که طول مصرع بین ۸ تا ۱۶ هجاست یعنی کوتاهترین مصرع شعر فارسی هشت هجایی و طولانی‌ترین آنها ۱۶ هجایی است. تعداد بالقوه اوزان بسیار بسیار زیاد می‌شود به این صورت که مثلاً از تکرار مستعلن سه وزن ایجاد می‌شود بلکه از ترکیب مستعلن با هر یک از ۱۵ رکن چهار هجایی و ۸ رکن سه هجایی و ۴ رکن دو هجایی اوزان جدیدی حاصل می‌گردد. همین‌طور از تکرار مفاعیلن، فاعلاتن، فَعولن... و تناوب آنها با رکنهای دیگر.

از طرفی در شعر عامیانه مصرعهای کمتر از هشت و هفت هجایی نیز هست و در شعر کلاسیک نیز شعر بیشتر از ۱۶ هجایی سروده شده است بویژه در شعر بعد از انقلاب که حتی وزن ۲۸ هجایی نیز به کار رفته است مانند وزن دوری:

مستفعلن مفاعیل مستفعلن

مستفعلن مفاعیل مستفعلن فعل

در این بیت:

می‌خواهم از تو بگذرم و مثل حادثه، در ژرفنای تیره تکرار گم شوم
آنگاه مثل سوختن لحظه‌های خیس، در دوده‌های حلقه سیگار گم شوم

فاطمه خنیا

نظم دقیق میان هجاهای وزن

گرچه در تعریف وزن می‌گویند وجود نظم میان هجاها، اما در عروض شعر هر زبانی اختیاراتی شاعرانه هم هست. این اختیارات که به هر حال اختلالی در وزن است در عروض شعر فارسی بسیار اندک است و منحصر می‌شود به این چند مورد:

۱- بجای دو هجای کوتاه متوالی درون مصرع می‌توان یک هجای بلند قرار داد و این یک بار و حداکثر دوبار در هر مصرع مجاز است مثلاً بجای یک یا دو تارز «مفتعلن» ها می‌توان مفعولن قرار دارد یا بجای فعلاتن‌های درون مصرع، مفعولن به کار برد که قاعده ابدال نام دارد.

۲- بجای مفتعلن می‌شود مفاعیلن آورد و در رباعی بجای مستفعلن، رکن فاعلاتن که قاعده قلب نام دارد.

۳- بجای اولین فعلاتن وزن می‌توان فاعلاتن آورد.

شاعر فارسی زبان جز این اختیارات هیچ تغییر دیگری نمی‌تواند در اوزان ایجاد کند مثلاً بجای مستفعلن هرگز نمی‌تواند رکن دیگری بیاورد یا بجای مفاعیلن یا فاعولن و غیره اما در شعر عرب اختیارات شاعری بسیار زیاد است یا به عبارت دیگر شعر سبب این اختیارات تا حد زیادی بی‌نظم می‌شود و حالت آهنگین بودن خود را از دست می‌دهد و به همین دلیل عبید زاکانی می‌گوید «الناموزون شعر عرب» مثلاً در شعر عرب بجای رکن مستفعلن در ارکان غیر پایانی وزن این تغییرات می‌تواند صورت بگیرد.

۱- در بحر رجز بجای مستفعلن می‌تواند مفاعیلن، مفتعلن، فعلتن بیاید.

- ۲- در بحر خفیف بجای مستفعّل می‌تواند مفاعّلن، مستفعّل، مفاعل بیاید.
 - ۳- در بحر بسیط بجای مستفعّلن می‌تواند مفاعّلن، مفتعلن، فعلتن، مفاعل بیاید.
 - ۴- در بحر سریع بجای مستفعّلن می‌تواند مفاعّلن، مفتعلن، فعلتن بیاید.
 - ۵- در بحر مجتث بجای مستفعّلن می‌تواند فعلتن، مستفعّل، فعلن بیاید.
 - ۶- در بحر منسرح بجای مستفعّلن می‌تواند مفاعّلن، مفتعلن، فعلتن، فعلن بیاید.
(وحیدیان کامیار، تقی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۶)
- از طرفی در وزن شعر فارسی دو مصرع بیت هم‌وزن هستند اما در شعر عرب الزاماً دو مصرع بیت برابر هست، به عبارت دیگر واحد وزن شعر عرب بیت است. و این اختلالی در وحدت مصرعها یعنی نظم وزن ایجاد می‌کند مثلاً در شعر عرب اگر وزن شعری فعولن فعولن فعولن باشد شاعر بجای فعولن مصرع آخر در وزنی می‌تواند فعول بیاید و در وزنی دیگر فع بیاید و در وزنی دیگر فعل (در شعر عرب) میان فعول و فعل پایان مصرع فرق است (همان، ص ۱۱۱) حال آنکه در عروض فارسی به دلیل منتهی شدن وزن به سکوت، آخرین هجا کوتاه و بلند هم که باشد فرقی نمی‌کند.
- با این ترتیب می‌بینیم که وزن شعر فارسی چقدر منظم و آهنگین است و ریاضی‌وار. حال آنکه در وزن شعر عرب بعلت وجود اختیارات بسیار هرگز چنین نظمی وجود ندارد و این یکی از دلایل و امتیازات اوزان شعر فارسی است.

چهار- تنوع در اوزان

کثرت بسیار زیاد تعداد اوزان شعر فارسی الزاماً سبب تنوع بسیار اوزان شده است. این تنوع هم از جهت کیفیت نظم هجاها در اوزان است هم از جهت طول مصرعها، علاوه بر این شاعران پارس‌زبان چهار ابداع دیگر در اوزان پدید آوردند که تنوع آنرا بیشتر کردند:

۱- اوزان دوری- اوزانی هستند که هر مصرع آنها از دو پاره تشکیل می‌شود که پاره دوم تکرار پاره اول است؛ به عبارت دیگر هر مصرع وزن دوری از تکرار اوزان کوتاه درست می‌شود:

بار غمت می‌کشم وز همه عالم خوشم
گر نکند التفات یا نکند احترام

(سعدی)

مشخصات اوزان دوری عبارتست از وجود وقفه میان دو نیم مصرع، متناوب بودن ارکان. هجای پایانی نیم‌مصرع در حکم هجای پایانی مصرع است یعنی می‌تواند کوتاه یا بلند یا کشیده باشد. تعداد اوزان دوری بسیارست و نگارنده تنها اوزان دوریی که شاعران به آنها شعر سروده‌اند. در سال ۱۳۶۰، چهل و دو وزن یافته است و اکنون بر این تعداد بسیار افزوده شده است.

(وحیدیان‌کامیار، ۱۳۶۰، صص ۵۷-۷۳)

۲- اوزان ایقاعی- در اوزان شعر فارسی از دیرباز نوعی وزن هست که از تکرار هجای بلند درست می‌شود. در این نوع اوزان وجود مکث میان هجاها نقش ممیزه دارد یعنی باعث تغییر وزن می‌شود مثلاً دو بیت زیر هر دو از شش هجای بلند درست شده اما اولی پس از هر دو هجا مکث است:

اشکی سوزان دارم

چشمی گریان دارم

(سیمین بهبهانی)

که وزن آن می‌شود فعلن، فعلن، فعلن
در وزن شعر دوم، مکث پس از سه هجا قرار دارد.

من دردم، بی‌ساحل

تو رنجت، بی‌حاصل

(اخوان ثالث)

البته اوزان ایقاعی از مقوله اوزان موسیقی هستند اما شاعران فارس‌زبان از همان آغاز شعر فارسی اشعاری در این‌گونه اوزان سروده‌اند. به تعداد آنها نیز در طی زمان افزوده شده است قدیمی‌ترین وزن دوری وزن این بیت رودکی است:

سروست آن یا بالا ماهست آن یا روی

زلف است آن یا چوگان خال است آن یا گوی

(وحیدیان کامیار، ۱۳۷۰، ص ۸۶)

هر لحظه به شکلی بت عیار برآمد
دل برد و نهان شد

هر دم به لباسی دگر آن یار برآمد
گسه پیر و جوان شد

که نوح شد و کرد جهان را به دعا غرق
خسود رفت به کشتی

که گشت خلیل و به دل تار برآمد
آتش گسل از آن شد

۴- **بحر طویل** شعری است که هر مصرع آن از تکرار نامحدود (بیش از بیست و سی) پایه‌های فعلاتین یا مقاعیلین ساخته می‌شود:

(وحیدیان: کامیار، تقی، ۱۳۷۴، ص ۸۵)

به هر حال اوزان شعر فارسی با این ویژگیها از نظر تنوع و زیبایی در اوزان شعر زبانهای جهان بی نظیر است.

با در نظر گرفتن اوزان شعر فارسی از نظر تعداد شگفت انگیز آن و هم از نظر نظم بسیار دقیق و تنوع فراوان و زیبایی بی مانندش در ادب جهان بی نظیر است.

منابع و مأخذ

- ۱- ادیب طوسی، یک پیشنهاد تازه در فن عروض، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، شماره ۳، پاییز ۱۳۳۹
- ۲- فرزاد مسعود، مجموعه اوزان شعر فارسی، مجله خرد و کوشش، دفتر ۴، شیراز، ۱۳۴۹
- ۳- نائل خانلری، پرویز، شعر و هنر، تهران، ۱۳۵۴
- ۴- نائل خانلری، پرویز، وزن شعر فارسی، تهران، ۱۳۳۷
- ۵- وحیدیان کامیار، تقی، وزن و قافیه شعر فارسی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴
- ۶- وحیدیان کامیار، تقی، بررسی منشأ وزن شعر فارسی، چاپ سوم، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶
- ۷- وحیدیان کامیار، تقی، حرفهای تازه در ادب فارسی، جهاد دانشگاهی اهواز، چاپ اول، ۱۳۷۰
- ۸- وحیدیان کامیار، تقی، فرهنگ اوزان شعر فارسی (آماده چاپ است)
- 9- Elwell Sutton. L.P. The Persian Meters london, 1976